



دشواری اجرای قرارداد و ضمانت اجرای تعدیل یا فسخ آن با تأکید بر رویه قضایی

عبدالله خدابخشی*

۱. مقدمه

پیش بینی می شود که رویه قضایی به زودی با مسأله «دشواری اجرای قرارداد» و دعاوی مربوط به آن، روبرو خواهد شد. قراردادهای مستمر، همیشه دشواری دارند و گاه حوصله انسان را سر می برند! خریدار باید اقساطی را در طول زمان پرداخت کند تا سازنده ملک یا متعهد به تسلیم خودرو یا کالای دیگر، مدت ها بعد قادر به ایفای عهد باشد. در این فاصله، رویدادهایی رخ می دهد که یا کاملاً یا در بخشی، ناشی از قصور متعهد است یا از بد شانسی اوست. «شانس» را باید (سنتز یا هم نهاد) بین دو نهاد «ضرورت» (تز یا برنهاد) و «اتفاق یا تصادف» (آنتی تز یا برابرنهاد) دانست.

می توان گفت که نه می توان انتظار قطعی اجرای تعهد را داشت و نه نداشت! به شانس نیز بستگی دارد. سال ها قبل «آندره تنک» می گفت که یک راننده خوب یعنی کسی که چند سال، مرتکب هیچ تخلفی نشده است، در هر ۵ دقیقه چند تخلف مرتکب می شود و فقط شانس اوست که منتهی به صدمه نمی شود!

او ادامه می داد باید حقوق حوادث (accident law) را از حقوق خطاها (torts law) جدا کرد و قواعدی متفاوت برای حوادث از جمله، کار، رانندگی و

* استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری
پست الکترونیک: khodabakhshi1356@yahoo.com



پزشکی، مقرر کرد. اینگونه بود که نظریه خطر با حمایت برخی بزرگان فرانسوی، امروزه در غالب نظامهای حقوقی مورد پسند است.

قراردادهای مستمر که مهد نظریه عسر و حرج یا عقیم شدن یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال یا غبن حادث^۱ هستند، مردم را گرفتار کردهاند که پیش فروش ساخت، تحویل کالاهایی که اجزایی از آن ریشه در واردات کالا از خارج دارد و ... از اهم آن است.

هر دو طرف از یک سونگری قرارداد (تز یا التزام صرف به مفاد آن) آسیب می بینند. تأکید بر اجرای قرارداد و اینکه ادعا شود باید تعهد، مو به مو اجرا شود، به این می انجامد که هرگز اجرا نمی شود! مثلاً فکر می کنیم به سود طرف ضعیف گام برمی داریم! خیر! زیرا وقتی سازنده یا واردکننده نتواند کارش را انجام دهد، بهره ای به طرف دیگر هم نمی رسد و زندان و الزام و... نیز کارا نخواهد بود. دستی است که مویی بر آن نمی روید و کاویدن و کندن آن بی فایده است. آنتی تز آن که تعدیل قرارداد در همه شرایط است نیز راه را برای سوءاستفاده باز می کند. باید بر گردن متعهد خطاکاری که با اعتماد دیگران بازی می کند، ضمانت اجرای سنگینی افکند و او را نه در عموم که با محکومیت در رأی، تشهیر کرد! بدین سان بر مبنای دیالکتیک چند ساله ای که سرشار از تجارب خوب و بد و به زندان افتادن و بیچاره شدن طرفین قرارداد است، به جای رد یا قبول مطلق، هم نهادهای (سنتر) منصفانه برگزید و به رویه قضایی پیشنهاد داد.

به دلیل اهمیت موضوع و این که اگر از رویه قضایی بخواهیم در این مسیر حرکت کند، باید مبانی و تجاربی در اختیار داشته باشد، ابتدا مطالعه ای تطبیقی از خاطر می گذرد، سپس رویه قضایی ایران را با ذکر چند رأی، بررسی می کنیم و در نهایت، پیشنهاد مربوط تقدیم می گردد.

۲. مختصری از فقه

از نظر فقهی، علاوه بر برخی روایات که مؤید ایفای عهد در حدود توانایی اشخاص است و اینکه التزام به عقود نیز اقدامی است که نباید در آن زیاده روی کرد و به هر بهانه، طرف تعهد را برای امور غیرقابل کنترل قربانی نمود و گذشته از اشاراتی مانند

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای، جلد سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۶، صص ۹۹ به بعد.

آیه ۳۹ سوره نجم (لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)، برخی فقهای معاصر نیز به لزوم توجه به تعادل تعهدات در قراردادهای مستمر، فتوا داده اند. در این میان، یک ذهن آگاه هرگز نمی پذیرد که فقه، با اساس این بحث مخالف باشد و اثر تورم شدید و تحریم و مانند آن را در قرارداد، نادیده بگیرد.

۳. حقوق تطبیقی

در حقوق تطبیقی می توان نمونه های بسیاری را برشمرد:

اصول حقوق قراردادهای اروپایی، تغییر در اوضاع و احوال و تأثیر آن بر اجرای قرارداد را در ماده ۱۱۱-۶ مورد بررسی قرار داده و با احراز شرایطی، طرفین را مکلف به مذاکره در خصوص تعدیل یا خاتمه دادن به قرارداد نموده و در صورت عدم توافق طرفین، به دادگاه اختیار خاتمه دادن به قرارداد یا تعدیل آن داده است. همچنین در صورت رد مذاکره یا قطع آن برخلاف حسن نیت و رفتار منصفانه، دادگاه متخلف را به جبران خسارت محکوم می نماید.

مواد ۲-۲-۶ و ۳-۲-۶ اصول یونیدروا و ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه (اصلاحی ۲۰۱۶) نیز با شرایطی، اجازه فسخ یا تعدیل قرارداد را به دادگاه می دهد. ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ۲۰۱۲ ترکیه، ماده ۱۴۷ قانون مصر؛ ماده ۱۴۶ قانون مدنی عراق و ماده ۶۹۶ قانون مدنی افغانستان به بحث وقوع حوادث استثنایی غیرقابل پیش بینی که انجام تعهد را سخت (نه غیرممکن) می کند، اشاره دارد. این قوانین، صرفاً بحث تعدیل قرارداد را مطرح می کنند و سخنی از خاتمه دادن به قرارداد ندارند و شرط مخالف با این وضعیت را نیز باطل می داند.

لازم به ذکر است که در لایحه قانون تجارت ایران (ماده ۳۴) احکامی مشابه حقوق فرانسه و اصول یونیدروا پیش بینی شده است. این رویکرد که عسر و حرج را تنها ویژه قراردادهای تجاری بداند، قابل انتقاد است!

۴. رهیافت رویه قضایی

رویه قضایی ایران آرای مختصری دارد. در واقع، دعاوی از این قبیل کمتر اقامه شده و قضات دادگاه هنوز فرصت استنباط های تازه را در سطح کلان نیافته اند. در آرای که در ادامه ملاحظه می شود، دادگاه ها با توجه به تغییرات فاحش در قیمت کالا و تحمیل هزینه چند برابری به یکی از طرفین که البته ریشه در تقصیر طرف مقابل نیز دارد،



متعهد را از ایفای تعهد معاف نموده است.

برای مثال شعبه اول دادگاه بخش خرم آباد استان مازندران، متعهد را از اجرای تعهد معاف می‌کند؛ زیرا برای احداث بنا، به پروانه نیاز است، ملک هنوز پروانه ندارد، سازنده، هرچند وجهی دریافت کرده ولی قانوناً قادر به کاری نیست و با پلمپ مأموران شهرداری مواجه می‌شود.

چند نکته از ذهن قاضی می‌گذرد: مدتی از قرارداد گذشته و قیمت مصالح به صورت فاحش تغییر کرده است؛ بنای طرفین و آنچه در قصد آن‌ها ارتکاز یافته، تعادل عوضین و لزوم اجرای عقد، در شرایط متعارف است نه امور غیرقابل پیش‌بینی؛ عقود بر مبنای تباغن و تعادل بنا نهاده شده‌اند نه تبرع یا احسان؛ تحمیل خسارت بر متعهد، به نوعی، مجازات است و وقتی تعهد، قانوناً نیازمند پروانه ساخت بوده است، نمی‌توان مجازات مدنی را تحمیل کرد؛ با تحقق تورم افسارگسیخته، غبن که پیش از عقد و تا زمان انعقاد، زمینه ظهور داشته بود، بعد از عقد نیز مجدداً به اراده طرفین برمی‌گردد (غبن حادث).

۱- به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۱۱۱۸۲۰۰۸۶۳ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸ موضوع پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۱۱۸۲۰۱۱۰۴ شعبه اول دادگاه بخش خرم آباد (استان مازندران):

«پیرامون دادخواست خانم ... به طرفیت آقای ... به خواسته الزام به اجرای تعهدات قراردادی ...؛ حاصل دعوا به این شرح است: خواهان مدعی است که خوانده، پیمانکار وی بوده؛ علی‌رغم دریافت وجه در مهلت، نسبت به ساخت و تکمیل ساختمان اقدام ننموده است لذا صدور حکم به شرح مذکور را استدعا دارد. خوانده در پاسخ اظهار داشته اساساً ملک در زمان شروع به ساخت و تا مدتی پس از آن، پروانه ساختمانی نداشته و به جهت اخذ پروانه ساختمانی، کار متوقف [شد]، سپس با رشد ناگهانی و بالارفتن سرسام آور قیمت مصالح، امکان تکمیل ساختمان را نداشته است.

دادگاه با توجه جمیع اوراق و محتویات پرونده: نظر به آنکه اولاً عقد همکاری متقابل دو یا چند اراده در ایجاد ماهیت حقوقی است و با توجه به آن که در عقود مغاینه‌ای، تعادل عوضین و سود و زیان ناشی از معامله در تباغی [قصد] طرفین و ارتکاز آنان ملحوظ است و وکیل خواهان با پذیرش بالارفتن قیمت‌ها، خوانده را در هر صورت مسئول اجرای قرارداد و متعهد به اجرای آن دانسته است و حال آنکه شرط

بنایی طرفین برخلاف آن می‌باشد؛ ثانیاً صرف نظر از پذیرش یا عدم پذیرش غبن حادث، نظر به اینکه اراده اولیه طرفین در شرایط طبیعی و عادی استوار شده است و مبتنی بر شرایط غیر معمول نبوده و از این حیث غبن به اراده آنان برگشته که مراعا است؛ هر چند متأخراً حادث شده است؛ ثالثاً و از همه مهم‌تر خواهان بنابر اظهارات وکیل وی در زمان ساخت و ساز و تا چند مدت بعد از آن، پروانه ساختمانی نداشته است و بعداً آن را اخذ نموده است؛ حال چگونه خواهانی که خود خلاف قانون اقدام نموده و بدون پروانه مبادرت به ساخت نموده، خسارت را مطالبه است [زیرا] بر امر خلاف قانون، اثر قانونی مترتب نیست و روا نیست بر امر غیر مشروع، تعیین مجازات شود.

التهیه بدیهی است خواننده به میزان مبالغ دریافتی قبل از افزایش قیمت، مستحق اجرت و در مابقی قیمت و بازپرداخت آن، در صورت ثبوت و اثبات مسئول خواهد بود. نظر به مراتب مذکور، [دادگاه] دعوای خواهان را غیر وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۲۵۷ قانون مدنی و ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی، حکم به بطلان دعوای خواهان صادر و اعلام می‌دارد».

در برابر، شعبه ۲۰ دادگاه تجدید نظر استان مازندران به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۱۵۱۷۳۰۰۰۴۷ نظر دیگری دارد و رأی مذکور را نقض می‌کند. زیرا: «تجدیدنظر خواننده مکلف و ملزم به اجرای کامل قرارداد و ایفای تعهدات خواهد بود. عدم اقدام به موقع، در فرجه زمانی تعیین شده توسط تجدید نظر خواننده به نوعی اقدام به ضرر خود بوده و افزایش قیمت مصالح و دیگر عوامل جانبی تأثیر در ایفای تعهدات وی نخواهد داشت و رافع مسئولیت وی نسبت به تعهدات قرارداد نخواهد بود».

۲- شعبه ۲۲ دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۸۳۱۲۲۰۱۲۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ مقرر می‌دارد:

«نظر به اینکه: ۱- قرارداد پیش فروش خودرو... حکایت از پیش خرید یک دستگاه خودرو... با موعد تحویل شهریور ۹۷ توسط خواهان از خواننده دارد؛ ۲- خواهان به موجب رسیدهای واریز وجه تقدیمی، به عهد قراردادی خود مبنی بر پرداخت ثمن اقدام نموده است؛ ۳- ادعای خواننده مبنی بر عدم قدرت بر تسلیم مبیع به جهت وقوع فورس ماژور (تحریم های اقتصادی) مورد پذیرش نیست. زیرا



اولاً یکی از شرایط تحقق فورس ماژور به عنوان یکی از معاذیر قانونی عدم اجرای تعهد، غیر قابل پیش بینی بودن آن است، حال آنکه تحریم های ظالمانه اقتصادی وضع شده از سوی استکبار جهانی [۱] امر جدیدی نبوده و مسبوق به سابقه است و با توجه به اوضاع حاکم، کلیه تجار و شرکت ها به حکم عقل می بایست امکان وضع تحریم های جدید را در تعهدات خود پیش بینی نمایند؛ به خصوص آنکه چند ماه قبل از انعقاد قرارداد، زمزمه های خروج آمریکا از برجام و وضع تحریم های گسترده به گوش می رسید و آگاهان و فعالان اقتصادی به راحتی قادر به پیش بینی تحریم های آتی بودند.

مضافاً اینکه شرکت رنو در گذشته سابقه قطع همکاری با خودروسازان ایرانی به بهانه تحریم را داشته و شرکت خوانده مکلف به پیش بینی نقض عهد مجدد و اندیشیدن تمهیدات لازم بوده و نمی تواند نتیجه کوتاهی های احتمالی خود را بر خریداران بار نماید.

ثانیاً موعد تحویل خودرو شهریورماه ۱۳۹۸ بوده حال آنکه تحریم های جدید اندکی قبل از آن وضع گردیده و طبیعتاً نمی تواند تأثیری بر تحویل خودروی داشته باشد؛ به علاوه اینکه حسب اسناد تقدیمی از سوی خواهان خودروهایی با موعد تحویل بعد از شهریور ۹۷ به خریداران تحویل شده که این امر حکایت از وجود خودرو جهت تحویل به خواهان دارد لذا... حکم بر محکومیت خوانده... صادر می شود...».

۳- به موجب دادنامه شماره ۱۱۱۱۳۰۱۱۵۰۹۹۷۸۳۱۱۵۰۹۰۰۹۰۰/۱۱/۳-۱۳۹۰ شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه:

«دعوی آقای محسن ... به طرفیت خانم نرگس ... و آقایان محمد و علی اصغر... عبارت است از: تعدیل قرارداد عادی... با این توضیح که خواهان در سال ۱۳۸۰ با مجوز دادگاه، قصد ازدواج مجدد را داشته و به منظور استمرار ادامه زندگی با زوجه اول، خوانده ردیف اول به موجب بند ۱ قرارداد موصوف، تعهد نموده است:

«کلیه حقوق و مزایا و دیگر درآمدهای خود را به نسبت دو سوم به خانم نرگس پرداخت تا مشارالیهها علاوه بر مخارج خود از مبلغ مذکور هزینه های جاری زندگی به استثنای هزینه های سنگین نظیر اجاره مسکن و درمان بیماری های پرهزینه و... فرزندان را تأمین نماید» و به شرح دادنامه شماره ۲۴۸۰۲۴۸۰۳۱۱۶۰۹۹۷۸۳۱۱۵۰۹۰۰ شعبه

۱۶ دادگاه خانواده کرمانشاه که به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۸۳۲۵۲۰۰۶۴۴ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تأیید گردیده، ملزم به ایفای مفاد آن شده است. اکنون با توجه به اینکه فرزندان وی، خواندگان ردیف دوم و سوم کبیر شده اند و خوانده ردیف دوم، خود حقوق بگیر می باشد، علاوه بر آن با توجه به وضعیت خاص وی که جانباز شیمیایی بوده و نیاز به صرف هزینه های زیاد برای درمان خود دارد، همچنین باید نفقه زوجه دوم خود را پرداخت نماید، بنابراین به دلیل دگرگونی اساسی شرایط حاکم بر زمان انعقاد عقد، تقاضای رسیدگی و صدور حکم به شرح خواسته را دارد.

وکیل خواندگان ابتدا به تغییر خواسته خواهان در خارج از جلسه اول دادرسی ایراد نموده و در ماهیت دفاع نموده که با توجه به اصل لزوم قراردادهای مطابق ماده ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی و آیه شریفه «وفوا بالعقود»، خواهان ملزم به تعهدات خود است که به دلیل عدم ایفای تعهدات خود با حکم دادگاه ملزم به ایفای مفاد آن شده است. علاوه بر آن یکی از فرزندان خواهان مشغول به تحصیل است که خواهان هزینه ای به وی پرداخت نکرده و فرزند دیگری وی، خواننده ردیف اول نیز بیمار می باشد که چندین بار در بیمارستان های تهران بستری شده و خواهان، کمکی به وی نکرده است. همچنین بر خلاف ادعای خواهان، تعهدات وی مقید به زمان خاصی نبوده و سقفی برای آن تعیین نشده است، بلکه به صورت مطلق و به منظور استمرار ادامه زندگی به موکله تنظیم شده و دلیلی برای نقض مفاد تعهد ارائه نشده بنابراین تقاضای رد دعوی خواهان را دارند.

بخش دوم- اسباب موجهه:

نظر به اینکه، اولاً از نظر حقوقی هر قرارداد مستمری در بر دارنده این شرط ضمنی است که توافق تا زمانی معتبر است که شرایط و اوضاع و احوالی که در زمان انعقاد عقد، مبنای اصلی تراضی قرار گرفته، دچار دگرگونی اساسی نشده باشد، ثانیاً در این پرونده، اوضاع و احوالی که در زمان وقوع عقد مورد توجه و قصد مشترک طرفین بوده و مبنای اصلی تراضی را تشکیل داده، پرداخت نفقه و هزینه های زندگی خواندگان بوده به طوری که این شرایط و اوضاع و احوال چنان با ماهیت و طبیعت عقد مرتبط و وابسته بوده که اگر وجود نداشت، بی گمان عقد منعقد نمی شد و یا شرایط آن تغییر می نمود و به این ترتیب، این شرایط و اوضاع و احوال در زمان انعقاد عقد مورد قصد مشترک متعاملین قرار گرفته و بنای تراضی بر



حفظ و استمرار آنها بوده است و تردیدی نیست که دو طرف قرارداد با در نظر گرفتن این شرایط در زمان وقوع عقد، مبادرت به انعقاد عقد کرده اند و تنها در صورت وجود و استمرار این شرایط مکلف به ایفای تعهد می باشند و از نظر آنها تراضی مبتنی بر ثبات و عدم دگرگونی اوضاع و احوال زمان عقد و از بین رفتن آن شرایط و اوضاع احوال است؛ بنابراین از بین رفتن مبنای قرارداد به معنای دگرگونی یا منتفی شدن اوضاع و احوالی که در زمان وقوع عقد، موضوع قصد واقعی و اعلام نشده طرفین بوده است [می باشد].

این دگرگونی که پس از انعقاد عقد و در مرحله اجرای تعهد رخ داده پایه و اساس تراضی را از بین برده و مانع حصول رضای کامل متعاملین می شود؛ ثالثاً چنین شرطی که قرارداد بر مبنای آن منعقد و نوشته شده است، در نظام حقوق ما به شرط بنایی یا مبنایی یا ارتکازی معرف است، هر چند در فقه نظرات متفاوتی در مورد اعتبار آنها ارائه شده است. اما با توجه به اینکه مستفاد از مواد ۱۹۱، ۱۹۶، ۴۶۳ و ۱۱۴۹ و ۲۲۴ قانون مدنی، در قراردادهای قصد واقعی معتبر بوده و عقد تابع قصد باطنی میباشد (العقود تابعه للقصود) و شرطی که مورد قصد واقعی طرفین بوده، معتبر است و قانون مدنی نیز در جای جای خود مثل مواد ۴۱۰ تا ۴۱۵ و ۱۱۲۸ نمونه هایی از این شروط بنایی را پذیرفته است و طرفین قرارداد را ملزم به وفای به عهد کرده است. علاوه بر آن عموم المؤمنون عند شروطهم و نیز ماده ۱۰ قانون مدنی و نیز اصل رضایی بودن عقود در حقوق ما مؤید این امر است؛ رابعاً از نظر عرفی نیز در این گونه قراردادهای مستمر، این تبانی عرفی وجود دارد که تراضی مقید به استمرار اوضاع و احوال حاکم و وابسته به شرایط موجود در زمان عقد است و چنانچه آن شرایط و اوضاع و احوال تغییر پیدا کند، مثلاً صیغه طلاق جاری شود یا کسانی که نفقه برای آنها تعیین شده از شرایط انفاق خارج شوند، بی گمان لازمه عرفی عقد و مدلول التزامی تراضی، تعدیل قرارداد و یا ایجاد حق فسخ است و طرفین با توجه به اطلاق مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی ملزم به رعایت مفاد چنین شرطی می باشند، بنابراین با توجه به کبیر شدن خواندگان ردیف دوم و سوم و خروج آنها از شرایط انفاق مطابق ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی و نیز شرایط خواهان برای انفاق به فرزندان کبیرش مطابق ماده ۱۱۹۸ همان قانون، دادگاه دفاع خواندگان را موجه تشخیص نداده و با توجه به شرط بنایی طرفین به شرح بخش بعدی، منطوق حکم خود را اعلام می دارند.

بخش سوم - نتیجه:

با توجه به مراتب فوق، دادگاه دعوی خواهان را ثابت تشخیص و مستنداً به جهات موضوعی و حکمی یاد شده و نیز با لحاظ اینکه فرزندان خواهان، دیگر مستحق انفاق نمی باشند و با توجه به شرایط خواهان که باید نفقه زوجه دیگرش را نیز پرداخت نماید، حکم به تعدیل بند ۱ قرارداد موصوف از دوسوم کلیه حقوق و مزایا و دیگر درآمدهای خواهان به یک سوم آنها در حق خوانده ردیف اول صادر و اعلام می دارد».

شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۸۳۳۲۴۸۰۰۹۶۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ راجع به دادنامه فوق مقرر می دارد:

«در خصوص تجدیدنظر خواهی... نسبت به دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۸۳۱۱۵۰۱۱۱۳ - ۱۳۹۰/۱۱/۳ شعبه پانزدهم دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه مبنی بر صدور حکم به تعدیل بند اول صورتجلسه... با توجه به اینکه تعهد زوج وفق صورتجلسه مذکور در واقع مبتنی بر تکلیف قانونی زوج به انفاق به زوجه و اولاد تحت تکفل بوده و ناشی از حکم قانونی و شرعی انفاق می باشد و نظر به اینکه ضابطه در تعیین مقدار نفقه، نیاز اشخاص واجب النفقه است و البته این نیازمندی شامل مایحتاج اولیه و ضروری زندگی است و از سوی دیگر حدود این نیازمندی نیز در طول زمان و به واسطه عوامل متعددی متغیر است کما اینکه در این پرونده با وصف اینکه دادگاه محترم بدوی نفقه بانو نرگس... و فرزندان کبیر وی را از دوسوم به یک سوم تقلیل داده، این تقلیل مورد اعتراض فرزندان مشترک طرفین قرار نگرفته که این امر به خودی خود حاکی از بی نیازی ایشان به انفاق پدر است، لذا این دادگاه با تغییر مبنای تعهد آقای محسن... از عقدی به حکم ناشی از لزوم انفاق، و مستنداً به مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۹۷۰ و ۱۱۹۸ قانون مدنی دادنامه مستدل صادره از دادگاه محترم بدوی را تایید و اجرا می نماید».

۴- شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۸۳۴۲۰۰۵۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱، ضمن بیان احساس عادلانه خود در فقدان قانون گذاری، مقرر می دارد:

«در خصوص دادخواست آقای سید علی اکبر... به خواسته صدور حکم بر ایفای



تعهد مبنی بر تکمیل یک باب منزل مسکونی...؛ دفاع خوانده اینکه به علت نوسانات قیمت اجناس ساختمان و افزایش قابل ملاحظه آن، موفق به انجام تعهد خود با قیمت قراردادی نشده است.

دادگاه با... ملاحظه قرارداد... که حکایت از تعهد خواهان مبنی بر ساخت ساختمان دارد و با توجه به اینکه در حقوق ایران متأسفانه موضوعی تحت عنوان تعدیل قرار داد پیش بینی نگردیده و هنگامی که متعهد در شرایطی ناخواسته مانند افزایش قابل ملاحظه قیمت ها قرار می گیرد، مورد حمایت قانونگذار واقع نمی شود و موضوع را هم نمی توان در قالب فورس ماژور و قوه قاهره مورد نظر قرار داد، در حالی که تعدیل قرارداد به خصوص برای نظام حقوقی ما که نظام اقتصادی مرتبط با آن گاهاً با شوک های تورمی قابل ملاحظه برخورد می کند، نیازمند این تعدیل در جهت رعایت عدالت و انصاف می باشد؛ صرف نظر از این انتقاد، نظر به اصل لزوم قراردادهای وفای به عهد... خواسته را قابل پذیرش دانسته...». شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۸۱۱۷۰۱۵۰۷ این رأی را تأیید می کند.

۵. «هم نهاده» پیشنهادی

این امکان وجود دارد که مقنن، به شرط آینده‌نگری، برای طرفین عقد و رویه قضایی، راهی نظیر ماده ۳۴ لایحه قانون تجارت، برای عموم قراردادهای پیش بینی نماید. تا آن زمان می توان به چند نکته توجه داشت و مبنای حرکت قرار داد. از یکسو، باید دانست معیارهایی که در مقررات ملی یا بین المللی برای این موضوع پیش بینی شده، جوهره واحدی دارند و ارکان آن بسیار به هم نزدیک است. گذشته از ضمانت اجرای فسخ یا تعدیل که هر یک طرفدارانی دارد (جمع هر دو، در برخی نظام ها تصریح نشده است)، اصل عسر و حرج و لزوم ارائه راهکاری برای طرفین و نیز شرایط عمومی آن، مخالفان کمی دارد و پذیرش آن را می توان اقبال جهانی تلقی کرد.

نکته دیگر اینکه نباید از جنبه های غیرحقوقی این موضوع، احساسی که هر دادگاهی براساس قراردادی خاص به دست می آورد، توجه اجتماعی به برخی اشخاص و انصراف این معیارها از برخی دیگر و تفاوت بین برخی قراردادهای غافل بود. تجربه نشان می دهد که رویه قضایی در موضوعاتی این گونه، به شدت، به انصاف و ملاحظات دیگر نیز گرایش دارد و ادعای تعدیل قرارداد یا فسخ آن را به دشواری می پذیرد.



به هر صورت اصل لزوم قراردادها و التزام به مفاد آن، جایگاه محکمی دارد و رویه قضایی شیرافکن با دلایل متقن می خواهد تا آن را از میدان به در برد! بی سبب نیست که نخستین ماده از قسمت دوم فصل ششم اصول یونیدروا که به بحث عسر و حرج می پردازد، از اصل التزام به مفاد عقد سخن دارد! از منظر جامعه شناسی معرفت^۲ نیز تضاد بین اندیشه های مختلف قضایی، سنت گرایی و تجدد، به زودی به یک نقطه مشترک (هم نهاده= سنتز) نمی رسد و دیالکتیک زمان بری را لازم دارد و شاید بدون تقنین نیز امید انسجام در رویه قضایی وجود نداشته باشد.

بدین سان، معیارهایی که رویه قضایی ممکن است در تحلیل این موضوع، مورد توجه قرار دهد عبارتند از:

ضوابط عمومی از جمله مقبولیت عام در سطح بین المللی، انصاف و ملاحظات موردی در هر قرارداد، احساس اجتماعی به موضوع مانند انفعالی بودن یک طرف و حرفهای بودن طرف دیگر از یکسو و انتظار همکاری متقابل طرفین در سود و زیان، از سوی دیگر؛ نابرابری اقتصادی طرفین و توجه به وضع طرف ضعیف، قبول خطر و توافق آگاهانه به تغییرات قابل پیش بینی و مواردی از این قبیل. راهی دشوار از میان سنگلاخ که ممکن است نارضایتی نوعی یا شخصی را به دنبال داشته باشد، اما اساس آن قابل انکار نیست.

به رویه قضایی توصیه می شود در صورتی که متعهد، خطای سنگینی ندارد، از تعدیل قرارداد، از جمله بر مبنای اراده ضمنی طرفین و واقعیت اجتماعی همکاری متقابل (تشریک مساعی و حسن نیت در زمان اجرا)، حمایت کند.

۲. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۸، صص ۵۶۴ به بعد.



فهرست منابع

۱. خدابخشی، عبدالله، حقوق بیمه و مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۳. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۸.